



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

پنجشنبه ۲۰ اکتوبر ۲۰۲۲

حمید انوری

## هر که پا کج میگذارد...

شعر پرمغز متذکره، فکر می‌کنم یکی دو بار و یا هم بار بار از دید هر یک ما گذشته باشد و یا هم در خاطره های ما گویا حک شده باشد. اصل شعر تا جائیکه این کمترین با آن آشنائی دارم، چنین باید بوده باشد: "هر که پا کج میگذارد، خون دل ما می‌خوریم شیشه ناموس عالم در بغل داریم ما"، و اما جهت اطمینان از صحت شعر فوق، چار ناچار به گوگل مراجعه نمودم که در اکثر سایت های قابل دسترسی به این شکل درج گردیده است:

هر که پا کج می‌گذارد ما دل خود می‌خوریم شیشه ناموس عالم در بغل داریم ما از نظر این کمترین، اما، درست آن همان باید باشد که ما همه با آن آشنائی داریم و نه این دومی که شاید هم از نگاه وزن و قافیه شعری مشکل داشته باشد که بر این کمترین معلوم نیست و کار بزرگان این رشته است و از صلاحیت این هیچمدان، فرسخ ها فاصله دارد. این شعر بلندبالا، از قریحه زنده یاد "صائب تبریزی" بوده است و اما در اثر جست و جو و تلاش بیشتر در گوگل، به یک فیسبوک برخوردارم که شعر متذکره را درست نوشته بود، و اما به اشتباه آنرا به "بیدل" منسوب نموده بود که اشتباه بزرگ است.

به هر حال سر آن ندارم تا به این مهم پردازم، چون هم از صلاحیت من خارج است و هم مقصد و مرام من نیست و اصل مطلب برمیگردد باز هم به همان "مصادر" و مصادیر و قصه ناتمام آن. در صورت ضرورت به این لینک مراجعه شود:

[جمع آوری مصادر دری/یارتی در قاموس کبیر افغانستان- قسمت اول](#)

من اما هیچ مشکلی با این قاموس نگاری ندارم، اما بخواهی نخواهی، خون دل می‌خورم، هر که پا کج میگذارد، چون شاید تعدادی از هموطنان شریف ما را به کجراهه رهنمون گردد که هرگز چنین مباد!

باز هم جنابان و یا هم همان جناب "ساپی"، جمع مصدر را مصادر نوشته اند و از خر شیطان پیاده نمی شوند. فقط این بار بجای "دری/فارسی"، از اصطلاح "دری/پارتی" استفاده نموده اند که هیچ مشکلی را حل نکرده، بلکه، مشکلی بر مشکلات عدیده می افزاید.

نگاهی می اندازیم به این نوشته گویا "تحقیقی"، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید:

در عنوان اصلی چنین آمده است:

### جمع آوری مصادر دری/پارتی در قاموس کبیر افغانستان

#### قسمت اول

#### خالی از اشتباه نیست

این عنوان در ذات خود، افراد دیرفهمی چون من را به فکر اندر می اندازد که آیا تمام مصادیر متذکره در این نوشته "خالی از اشتباه نیست"، یا فقط همین قسمت اول و یا هم دست اندرکاران این مهم، خوب میدانند که آنچه کرده و می کنند هنوز، همه مملو از اشتباه است و...، در حالیکه اگر چنین نباشد و نمی بود، باید عنوان را چنین انتخاب میکردند و یا هم جناب "ساپی" آنرا چنین انتخاب میکردند، که نکرده اند و در نتیجه باعث ایجاد غلط فهمی گردیده اند:

### جمع آوری مصادر دری/پارتی در قاموس کبیر افغانستان

#### خالی از اشتباه نیست

#### قسمت اول

چرا این کمترین، الله و بلا را می اندازم در گردن ملا و گویا یخن قاق جناب "ساپی" را محکم می گیرم؟!

یگانه دلیل آن این است که در اخیر نوشته "تحقیقی" متذکره فوق چنین آمده است:

نوت: تشکر از انجینر شیر ساپی به سبب جمعآوری مصادر....

البته باید متذکر شد که این "مصادر" آخری از نوع همان غلط های مشهوری است که در اثر تکرار به حافظه ها نقش بسته است، اما به هیچوجه تکرار اندر تکرار اندر تکرار یک غلط مشهور، آنرا درست نمی سازد، بلکه همچنان غلط باقی می ماند و این مشکل گویا از جناب "ساپی" نبوده، بلکه تکرار اشتباه و یا غلط مشهور از جناب "کبیر" است که نباید یخن یک بی گناه را در مورد محکم گرفت. یک معذرت از صدق دل، قرضدار جناب ساپی.

این غلط مشهور "مصادر"، در نوشته متذکره فوق، بار بار تکرار شده است.

می خوانیم:

"... برای حل شناخت مصادر از لحاظ زمانی که اهمیت به سزای دارد. پس قاموس نویسان ما خود را موظف میدانند تا حد امکان این اصل را روشن در خدمت جامعه خود قرار دهد. "

جمله فوق، چندین مشکل دارد:

### "برای حل شناخت مصادر"

۱. شناخت مصادر، یک معادله چند مجهوله نیست که برای آن راه حل جست و جو گردد.
- ۲- "پس" در سطر اول، اضافی است و در سطر دوم هم باید قبل از نوشتن "حد" یک "در" علاوه می شد که شکل جمله درست می آمد، یعنی "تا در حد امکان"
- ۳- آغاز جمله با صفت جمع بوده "موظف میدانند"، آمده است، اما انجام آن "قرار دهد" است که از نگاه جمله بندی یک غلط فاحش است.

در شعر: "همت ام بدرقه راه کن ای طاهر قدس"، دو اشتباه صورت گرفته است:

۱- "همت ام"، غلط بوده و همتم درست است.

۲- "طاهر" غلط است و درست آن طایر است.

در ادامه می خوانیم: "... به طور مثال آیا ما قادر به آن استیم که بدون اعراب لسان های خود را به تکنالوژی جدید تجهیز کنیم و یا بسیار مسائل مهم دیگر."

در این قسمت نویسنده مضمون متذکره به یکباره از مصادر، به اعراب خیز می کند و بعد هم با یک خیز دیگر میرود سراغ "تکنالوژی" جدید و...، که هیچکدام به مصادر دری ارتباطی ندارند و از "قاموس" نویسی فرسخ ها فاصله دارد. و نیز از سر "بسیار مسائل مهم دیگر" ساده میگردد و... نویسنده بعد میرود سراغ تشریح جدول مصادر:، نویسنده، حتی لازم نمی داند که غلط مشهور "مصادر" را به گونه درست آن مصادر بنویسد و باعث رهنمونی جوانان به کجراهه نگردد. ایشان ادامه میدهند:

"... مصدر دومی و سومی - بعضی افعال در زبان دری /پارتی دو و یا سه مصدر دارند مثل : «خوابیدن / خواباندن / خوابانیدن»، « رستن - روییدن»، « گشتن - گردیدن»، « گذاختن - گذازیدن»، « پرهیختن - پرهیزیدن»، « جستن - جهیدن .» مصادر که دارای ریشه مشترک مانند « خوابیدن / خواباندن / خوابانیدن»، یک مصدر حساب میشوند و مصادر که ریشه مشترک ندارند، با رنگ زرد نشانی شده و توسط یک حلقه با هم می پیوندند."

در جملات اقتباس گردیده فوق، تمام تأکیدات از این کمترین است.

در مصادر فوق اگر اندکی دقت کنیم، دیده می شود که :

- ۱- رستن- روئیدن درست، اما گدازیدن معمول نیست
  - ۲- پرهیختن در زبان دری معمول نیست و با "پرهیزیدن" که باز هم معمول نیست، سخت متفاوت است
  - ۳- و اما "خوابیدن/خواباندن و خوابانیدن" باهمدیگر خیلی ها متفاوت اند و این کمترین اما نمی دانم که مصدر "خوابانیدن با خواباندان" چه تفاوت دارند و خوابانیدن بجای خواباندن در کدام مواقع استفاده می شود.
  - ۴- و اما سر این کمترین خلاص نمی شود که از "پرهیز" نظر به کدام قانون دستور زبان دری، "پرهیختن" درست می شود، الا همان اضافه نمودن "ت" و "ن"، اما "خ" اینجا از کجا آمد؟!
  - ۵- و در اخیر هم اینکه "می پیوندن"، از نظر این هیچمدان، یک "د" کم دارد، یعنی باید می پیوندند می بود، که نیست.
- میرسیم به "[جدول مصادر](#)" یا همان مصادیر که حدود شش صفحه را دربر می گیرد و خالی از مشکلات نیست. خدا از قسمت دوم نجات دهد، که قسمت اول آن با این همه اشتباهات و مشکلات شروع و ختم شده است.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم  
تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال  
محل قابل و آنگه نصیحت قائل  
چو گوش هوش نباشد چه سود حسن مقال